



اعتیاد به اینترنت در دوران کرونا و دامن زدن به اختلافات خانوادگی

نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد اعتیاد به اینترنت یا استفاده آسیب‌زا از اینترنت در دوران کرونا باعث می‌شود تا افراد به دلیل مطالعه و مشاهده اخبار و صحنه‌های ناراحت‌کننده و تهدیدآمیز در فضای اینترنت....

نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد اعتیاد به اینترنت یا استفاده آسیب‌زا از اینترنت در دوران کرونا باعث می‌شود تا افراد به دلیل مطالعه و مشاهده اخبار و صحنه‌های ناراحت‌کننده و تهدیدآمیز در فضای اینترنت، سطحی از استرس را تجربه کنند. این استرس می‌تواند به مرزهای زناشویی و خانوادگی وارد شود و در نتیجه چرخه‌ای از تعاملات منفی را شکل دهد.

به گزارش ایسنا، یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد شیوع هر نوع بیماری با افزایش مشکلات بسیاری در ارتباط است و کووید-۱۹ نیز همانند بیماری‌های قبلی، باعث مختل شدن زندگی مردم شده و زندگی جسمی و روانی آن‌ها در سطح گسترده‌ای دچار مشکل شده است. محققان در پژوهشی نقش اعتیاد به اینترنت را در تعارضات و خشونت زناشویی و خانوادگی با میانجیگری استرس کرونا بررسی کرده‌اند.

پژوهشگران این مطالعه بیان کرده‌اند: «ما به دنبال آزمون این فرضیه هستیم که ممکن است استفاده بیشتر از اینترنت در شرایطی که مردم عمدتاً در خانه هستند، باعث شود تا آن‌ها به دلیل محتوای ناگوار ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا و افزایش فزاینده مرگ و میر ناشی از آن، موجب ایجاد استرس در آنان شود. در این شرایط استرس‌زایی که ویروس کرونا ایجاد کرده و مردم مشکلات زیادی را تجربه می‌کنند، ممکن است شدت یافتن مشکلات زناشویی و خانوادگی، مردم را بیش از پیش گرفتار کند که این امر نیازمند بررسی علمی است.»

بر اساس آن چه در این مقاله آمده است، این پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل مسیر است که جامعه آماری آن شامل کلیه افراد فعال در شبکه‌های اجتماعی شهر بندرعباس در سال ۱۳۹۹ بودند. در این پژوهش، نمونه‌ای به حجم ۴۲۶ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری به این صورت بود که پژوهشگران بعد از طراحی پرسشنامه به صورت تحت وب، لینک آن را در اختیار گروه‌های تلگرامی، واتساپ و اینستاگرام متعلق به شهر بندرعباس قرار دادند.

بعد از جمع‌آوری داده‌ها، نمونه‌ها به سه گروه تقسیم شدند: آن‌هایی که دارای رابطه زناشویی بودند (افراد متأهل)، آن‌هایی که مجرد بودند و همراه خانواده زندگی می‌کردند و افراد مجردی که تنها و جدا از خانواده زندگی می‌کردند. از این رو، ۲۲۹ نفر در گروه متأهل‌ها و ۱۹۲ نفر در نمونه‌های مجرد و همراه خانواده قرار داده شدند و پنج نفر که مجرد بودند و تنها زندگی می‌کردند از تحلیل حذف شدند که در نهایت ۴۲۱ نفر در این پژوهش شرکت داشتند.

محققان می‌گویند: «نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که استرس کرونا می‌تواند موجب افزایش تعارضات بین زوجین و همچنین بین اعضای خانواده باشد.»

نتایج دیگر این پژوهش حاکی از این بود که تجربه استرس کرونا با اعتیاد به اینترنت رابطه دارد. پژوهشگران در تبیین این رابطه معتقدند که می‌توان گفت شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که بسیاری از مردم، اخبار مرتبط با بیماری را از فضای اینترنت دنبال می‌کنند و اخبار مرگ و میر و شیوع و گسترش روزافزون آن باعث می‌شود تا آن‌ها بیشتر از این بیماری دچار ترس و استرس شوند، بنابراین افرادی که استفاده آسیب‌زا یا اعتیادآمیز از اینترنت داشتند به دلیل مطالعه اخبار و شرایط این بیماری استرس بیشتری را تجربه می‌کردند و از نظر روان‌شناختی دچار آشفتگی بیشتری می‌شدند.

بر اساس آن چه در این پژوهش آمده است، نتایج دیگر این مطالعه نشان داد اعتیاد به اینترنت با افزایش تعارضات و خشونت زناشویی و خانوادگی رابطه دارد و می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم و از طریق استرس کرونا باعث افزایش تعارضات و خشونت زناشویی و خانوادگی شود.

نویسندگان این مقاله می‌گویند: «به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که اعتیاد به اینترنت یا استفاده آسیب‌زا از اینترنت در دوران کرونا باعث می‌شود تا افراد به دلیل مطالعه و مشاهده اخبار و صحنه‌های ناراحت‌کننده و تهدیدآمیز در فضای اینترنت، سطحی از استرس را تجربه کنند. این استرس می‌تواند به مرزهای زناشویی و خانوادگی وارد شود و در نتیجه چرخه‌ای از تعاملات منفی را شکل دهد و موجب تعارضات و خشونت‌های خانوادگی شود. نیاز است تا رسانه‌ها به صورت علمی و جامع، برنامه‌هایی را در زمینه استفاده موثر از اینترنت و نحوه مقابله با استرس کرونا داشته باشند.»

این پژوهش توسط هادی سلیمی، دانش آموخته دکترای مشاوره دانشگاه هرمزگان، کبری حاجی علیزاده، دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، مجتبی عامری سیاهویی، دانش آموخته کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و پریسا بهدوست، دانش آموخته کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره دانشگاه الزهرا انجام شده است.

این مقاله در چهل و پنجمین شماره ی دوازدهمین سال فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی منتشر شده است.